

# سیری در سمینار خراسان

پیش مقاله: سمینار شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی استان خراسان در اوایل ماه برگزار شد. چهار مقاله آتی، انتخاب ما از میان مقالات منتخب این سمینار است که بعضاً به سلیقه خودمان و در حد کوتاه کردن، دستکاریهایی در آنها انجام داده ایم و البته پاس داشته ایم چارچوب و مطلب اصلی مقالات را.

## چگونه درآمدهای صادراتی استان خراسان را افزایش دهیم

حبیبه فتحی - ماندانا فاضل

کشاورزی در توسعه، طی برنامه اول، عملکرد صادراتی خوب این بخش که به ۵۴۳ میلیون دلار فراتر از اهداف تعیین شده برنامه دست یافت، ارزیابی کمتر فعالیتهای کشاورزی در مقایسه با صنعت و معدن (با توجه به کمبودهای ارزی فعلی)، زودتر به نتیجه رسیدن طرحهای این بخش در مقابل سرمایه گذاریهای سنگینتر بخش صنعت و معدن، و اثرات گسترده تر اشتغال در بخش کشاورزی، در انتخاب موضوع دخیل بوده است. به طور کلی رشد خوب صادرات غیرنفتی طی سالهای برنامه اول که سهم صادرات غیرنفتی را از کل صادرات کشور از ۸ درصد (برابر ۷/۷۴ میلیارد ریال) در سال ۱۳۶۸ به حدود ۲۶ درصد (برابر ۳/۲۶۲ میلیارد ریال) در سال ۱۳۷۲ رساند (با مجموع صادرات ۱۴/۶ میلیون تنی و ۱۱/۸ میلیارد دلاری در کل دوره برنامه اول)، گویای تواناییهای موجود در کشور برای کسب درآمدهای ارزی بیشتر است. طی سالهای برنامه اول، صادرات محصولات بخش کشاورزی بجز

استان خراسان از تواناییهای بسیاری در زمینه های مختلف صنعت، معدن، کشاورزی، و خدمات (جهانگردی) برخوردار است. البته بسیاری از این استعدادها آن طور که باید و شاید به فعل در نیامده است چنان که معدن غنی این استان آن طور که باید به کار گرفته نشده و صنایع آن بیشتر تکیه بر واحدهای کوچک مواد غذایی و نساجی داشته و هنوز صنایع بزرگ عمده ای در استان پا نگرفته است. با وجود انرژی فراوان و نسبتاً ارزان گاز، معدن غنی و گوناگون، جریان ورودی درآمدهای زیارتی و مردمی سخت کوش به حق می توان انتظارات بیشتری از این استان داشت تا سهم بیشتری را در اقتصاد کشور و از آن جمله کسب درآمدهای صادراتی ایفا کند. با توجه به آنچه گفته شد، محدود کردن موضوع مورد بررسی به صادرات محصولات کشاورزی، مغایرتی با توسعه صادرات سایر بخشها نداشته و در جای خود باید به آنها پرداخته شود؛ البته محوریت قرار گرفتن

در سال ۱۳۶۹ از اهداف برنامه فراتر رفت و این صادرات از حدود ۲۸۸ هزار تن و به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ به بیش از یک میلیون تن و به ارزش ۹۱۰ میلیون دلار در سال پایانی برنامه رسید که حاکی از رشد ۳۶۳ درصدی از نظر مقدار و حدود ۱۶۵ درصدی از نظر ارزش می باشد. در برنامه دوم (۱۳۷۳-۱۳۷۷) نیز از ۲۷/۵۲ میلیارد دلار

صادرات غیرنفتی پیش بینی شده ۵/۶ میلیارد دلار را سهم صادرات بخش کشاورزی قرار داده اند. به طوری که صادرات این بخش از ۸۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ می باید به ۱/۳۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۷ افزایش یابد. برای صادرات زیر بخشهای کشاورزی در طول برنامه، درصدهای رشدی به شریح زیر در نظر گرفته شده است.

### جدول ۱- صادرات پیش بینی شده بخش کشاورزی طی برنامه دوم (۱۳۷۳ - ۷۷)

مهمترین اقلام صادراتی	درصد تغییرات انتهای دوره نسبت به اول دوره	ارزش صادرات طی دوره (میلیون دلار)	زیربخش
پسته، کشمش، گلاب و اسانس، خرما، سیب	+۱۷۰	۴۰۰۱	محصولات باغی و زراعی
دام زنده، پشم، پوست خام، روده، کرک و مو	+۱۰۵	۱۰۰۲	محصولات دام و طیور
خاویار ساشیمی، میگو، ماهیان ممتاز	+۲۸۲	۵۴۶/۸	محصولات شیلاتی
انواع چوب آلات، کتیرا، محصولات فرعی جنگلی و مرتعی، باریجه، آنقوزه	+۱۲۳	۸۲	محصولات جنگل و مراتع
	+۱۵۳	۵۶۳۱/۸	

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پوست لایحه دوم برنامه پنجساله دوم (۱۳۷۳ - ۷۷) توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

یکی از مهمترین تولیدکنندگان محصولات بخش کشاورزی مطرح می شود. استان خراسان با دارا بودن وسعت و تنوع آب و هوایی زیاد و

پس از توجه لزوم توجه به بخش کشاورزی که مانعی بر سر راه توسعه سایر بخشها نیست استعدادهای کشاورزی استان خراسان به عنوان

بیشترین سطح زیرکشت از نظر استانی (دارا بودن ۲۰۲۴۰۰۰ هکتار سطح زیرکشت از کل ۱۴ میلیون هکتار سطح زیرکشت کشور در سال زراعی ۷۰ - ۷۱ یا ۱۵ درصد سهم از سطح زیرکشت) تقریباً به عمل آورنده همه انواع محصولات گرمسیری و سردسیری از خرما و زعفران و پسته گرفته تا مرکبات و غلات و صیفی جات می باشد. براساس آمارنامه کشاورزی سال ۱۳۷۱، خراسان از نظر استانی بزرگترین تولیدکننده چغندر قند (۴۴ درصد)، جو (۱۹/۳ درصد)، گوجه فرنگی (۲۰ درصد)، خربزه (۵۵ درصد)، انگور (۲۴ درصد)، زیره و زعفران (۹۹ درصد)، زرشک (۱۰۰ درصد)، و دومین تولیدکننده پنبه (۱۸ درصد)، گندم (۱۲/۶ درصد)، سیب درختی (۱۸ درصد)، هندوانه (۱۶ درصد)، توت درختی (۳۲ درصد)، و سومین تولیدکننده عدس (۹/۴ درصد)، یونجه (۶/۵ درصد)، خیار (۱۰ درصد) و انار (۱۳ درصد) می باشد. این استان در تولید محصولات همچون به و گلابی سهم ۱۲ درصدی و در تولید بادام و زردآلو و قیسی و هلو به ترتیب سهم ۱۰ درصد و ۸ درصد و در مورد سیب زمینی و پیاز سهم ۶ درصد و ۴ درصد از تولید را به عهده دارد. در سال زارعی ۶۹-۷۰ خراسان از نظر تولید پسته نیز رتبه دوم را پس از کرمان داشت با سهم ۴/۵ درصدی از تولید که اکنون با افزایش تولید پسته در یزد و سمنان رتبه استان به چهارم تنزل کرده است با سهم تولیدی برابر ۱/۴ درصد. در میان اقلام

تولیدی استان درصد صادرات از تولید محصولاتی همچون زیره، زعفران، پسته (برای کل کشور)، سیب درختی، کشمش (با تبدیل آمار تولید انگور به کشمش)، هندوانه و خربزه بالا می باشد (به ترتیب برابر ۷۶، ۷۴، ۵۹، ۱۵، ۱۲، ۷ درصد) و درصد صادرات از تولید انار نیز ۳ درصد می باشد. نمودار ۱ میزان تولید محصولات عمده کشاورزی در استان خراسان را نشان می دهد.

در ۹ ماهه اول سال ۱۳۷۳ طبق اعلام اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان با صدور ۱۹۶۶ فقره گواهینامه استاندارد برای کالاهای صادراتی امکان صدور بیش از ۳۲۰۷۲۴ تن کالا به ارزش ۶۱ میلیارد ریال فراهم گردیده است. آمار صادرات پنج ماهه اول سال جاری نیز که مشمول استانداردهای اجباری می باشند به شرح جدول ۲ نشان دهنده اقلام عمده صادرات محصولات کشاورزی استان می باشد. چنان که مشاهده می شود مهمترین صادرات از نظر ارزش به ترتیب کرک، زعفران، زیره سبز، سالامبور گوسفندی و بزی، پسته و مغز پسته، روده، سیب درختی، کشمش بیدانه، بادام، سیب زمینی و سایر اقلام می باشد (جدول ۲). در آمار صادرات پنج ماهه اول سال ۱۳۷۳ گمرک استان (جمعاً برابر ۳۶۵۸۹ (۱) تن و ۳۸۷۹۳ میلیون ریال) سهم صادرات محصولات کشاورزی از نظر مقداری ۸۶ درصد و از نظر ارزشی ۹۴ درصد بوده است، این امر خود تکیه استان را بر صادرات محصولات

گندم، ذرت، زردآلو، بادام، نون درختی، گلابی، قهوه و زردآلو، زیره، پیاز، انار، خیار، سبزیجات، هندوانه، انگور، گوجه فرنگی، خربزه



جدول ۲ - صادرات محصولات کشاورزی استان خراسان (مشمول استاندارد اجباری) در پنج ماهه اول سال ۱۳۷۳

ردیف	کالا برحسب نوع	مقدار (تن)	ارزش میلیون ریال	متوسط ارزش واحد ریال در هر کیلوگرم
۱	کرک	۲۸۰/۳	۱۲۹۱۲	۴۶۰۶۶
۲	زعفران	۲/۸	۱۱۵۶۵	۴۱۳۱۱۳
۳	زیره سبز	۲۱۶۰	۳۸۴۰	۱۷۷۷
۴	سالامبور گوسفندی و بزی	۴۴۶	۳۰۰۵	۶۷۳۸
۵	پیسته و مغز پیسته	۲۲۸۸	۲۰۳۱	۶۴۰ و ۲۶۰۴
۶	روده	۱۷۹/۵	۱۵۳۷	۸۵۶۴
۷	سیب درختی	۴۶۰۰	۸۰۶	۱۷۵
۸	کشمش بیدانه	۱۹۳۷	۴۷۵	۲۴۵
۹	مغز بادام و بادام سنگی	۱۸۹۷	۲۳۴	۲ و ۲۱۵
۱۰	سیب زمینی	۱۰۰۰۰	۱۰۴	۱۰
۱۱	آلوی خشک	۱۰۰۰	۱۰۳	۱۰۳
۱۲	سیر	۱۰۰۰	۵۹	۵۹
۱۳	آنقوزه شیرین	۷۰۰	۴۶	۶۶
۱۴	پیاز	۲۰۰۰	۳۳	۱۶/۵
۱۵	مغز گردو	۵۵۰	۲۰	۳۶۷
۱۶	برگه زردآلو	۷۲۴/۵	۷	۷
۱۷	فلفل سبز دلمه‌ای	۱۰۸۰	۴	۴
۱۸	انار	۶۹۰	۲/۵	۴
۱۹	خرمای رطب و مضافتی	۹۰	۱/۵	۱۷
۲۰	گل کلم	۲۴۰	۰/۲	۱
۲۱	ماکارونی	۹۰	۹۲	۱۰۲۰
	جمع	۳۱۴۹۸	۳۶۴۴۹	۱۱۵۷

\* مأخذ: روزنامه اقتصاد خراسان، سال دوم، شماره ۷۰، تیرماه ۱۳۷۳، ص ۴.

کشاورزی نشان می‌دهد. بسیاری از اقلام صادرات صنعتی استان نظیر بیسکویت، البسه کشفاف پودی پنبه‌ای، پتو پشمی، و ماکارونی نیز از محصولات بخش کشاورزی تغذیه می‌شوند. آمار صادرات ماکارونی به عنوان یک فرآورده صنایع غذایی ارزش ۹۲ میلیون ریال را نشان می‌دهد که از نظر ارزشی می‌تواند در ردیف دوازده قرار گیرد. توجه به متوسط قیمت‌های صادراتی بخصوص در مواردی همچون بادام سنگی، گل کلم، انار و... لازم می‌باشد که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

جدول ۳ و نمودارهای ۲ و ۳ و ۴ به ترتیب نشان دهنده مقدار، ارزش و متوسط ارزش اقلام عمده محصولات کشاورزی کشور می‌باشند. مقایسه جدول ۲ و نمودار ۲ مشابهت اقلام عمده صادراتی استان و کشور را نشان می‌دهد. مهمترین صادرات بخش کشاورزی کشور به ترتیب ارزش در سال ۱۳۷۲ عبارت بوده‌اند از پسته و مغز پسته، انواع پوست و سالامبور، خرما، کشمش، انواع روده، زیره سبز، زعفران، سیب درختی، خربزه و طالبی، تخم‌های رازیانه و بادیان و مرزه و گشنیز، پشم و کرک و مو، انار و دیگر اقلام که در جدول آورده نشده است.

با توجه به نمودار ۲ مشاهده می‌شود که صادرات اقلام مورد اشاره با درصد نوسانات متفاوت در انتهای دوره در سطحی بالاتر از ابتدای دوره قرار داشته‌اند در این نمودار به علت

کوچکی بسیار مقادیر صادرات زعفران و کرک و پشم و مو، انار و تخم‌های رازیانه، بادیان و گشنیز و سرو کوهی نسبت به سایر اقلام صادراتی ارائه نگردیده است. چنانکه مشاهده می‌شود در دوره مورد بررسی نوسانات پوست و سالامبور، زیره و پسته و پس از آنها کشمش کمتر، و برعکس نوسانات خربزه و سیب شدید می‌باشد. قابل ذکر است که محصولاتی نظیر زیره، پسته، کشمش و تا حدودی پوست و سالامبور که برای مدتی قابل نگهداری می‌باشند و در معرض فساد پذیری شدید قرار ندارند، بر خلاف خربزه، هندوانه و سیب از نوسانات کمتری برخوردارند. همین جا لازم است اشاره شود که صادرات پوست و سالامبور، زیره و پسته تا حدودی تحت یک نظام صادراتی تشکیلاتی (فردی یا سازمانی) می‌باشند که همین امر می‌تواند در نوسانات کمتر عرضه صادراتی این کالاها، موثر باشد. در حالی که صادرات سیب و خربزه کمتر نظام‌دار است و صادرات این محصولات شاهد نوسانات شدید بوده است. می‌توان تصور کرد که نوسانات شدید چه تاثیر مخربی در وضعیت صادرکننده و به تبع آن در فعالیتهای پسین پیشین صادرکننده دارد، و چه اثراتی می‌تواند روی تولیدکننده داشته باشد.

با نگاهی به بازارهای صادراتی کشور در سالهای مورد اشاره به نکات چندی دست

می‌یابیم که حاکی از تنوع بازارهای صادراتی

می‌باشد. چنان‌که زعفران در سال ۱۳۶۸ به میزان ۳/۹ تن به چهارده کشور صادر می‌شد در حالی که در سال گذشته حدود ۶۶ تن به طور رسمی و به گفته مطلعین با ارقام غیر رسمی حدود ۸۰ تن زعفران به بیش از ۴۲ کشور جهان صادر شده است. در مورد زیره سبز تعداد بازارهای صادراتی در دوره مورد بررسی از ۵ به ۲۲ کشور افزایش یافته و میزان صادرات نیز با بیش از دو برابر شدن به ۲۳ هزار تن رسیده است.

در مورد پسته تا حدودی از قبل، تنوع بازار صادراتی وجود داشته ولی این محصول نیز طی دوره صادراتش ۷۰ درصد افزایش داشته است و در سال گذشته به ۵۷ کشور مختلف صادر شده است.

در مورد خربزه، تعداد بازارهای صادراتی از ۱۶ به ۳۲ کشور رسیده در حالی که مقدار صادرات حدود ۱۷ درصد در انتهای دوره بیش از ابتدا دوره بوده است.

در مورد سیب تعداد بازارها از یازده به سی رسیده در حالی که میزان صادرات بیش از هشت

برابر شده است.

در مورد کشمش بیشترین تنوع بازار صادراتی را می‌بینیم چنان‌که بازارهای صادراتی از ۲۱ کشور در ابتدای دوره به ۶۰ کشور در سال گذشته افزایش یافته است.

بیشترین افزایش مقداری در اقلام عمده کشاورزی طی این سالها به ترتیب متعلق به زعفران (۱۶/۵ برابر)، کشمش (حدود ۱۴ برابر)، سیب هشت برابر، پشم و کرک و مو بیش از شش برابر، و زیره بیش از دو برابر بوده است. در سال ۱۳۷۲ از نظر ارزش بیشترین صادرات به ترتیب به موارد ذیل تعلق داشته است:

پسته و مغز پسته	۴۳۵ میلیون دلار
پوست و سالامبور	۱۰۸ میلیون دلار
خرما	۵۴ میلیون دلار
کشمش	حدود ۴۳ میلیون دلار
زیره	حدود ۲۷ میلیون دلار
زعفران	۲۴ میلیون دلار
سیب	۲۳ میلیون دلار
خربزه	۲۲ میلیون دلار
انار	۱/۸ میلیون دلار

جدول ۳ - مقدار و ارزش صادرات مهمترین محصولات کشاورزی کشور طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۳

واحد: وزن تن

ارزش: میلیون ریال

متوسط ارزش: ریال بر هر کیلوگرم

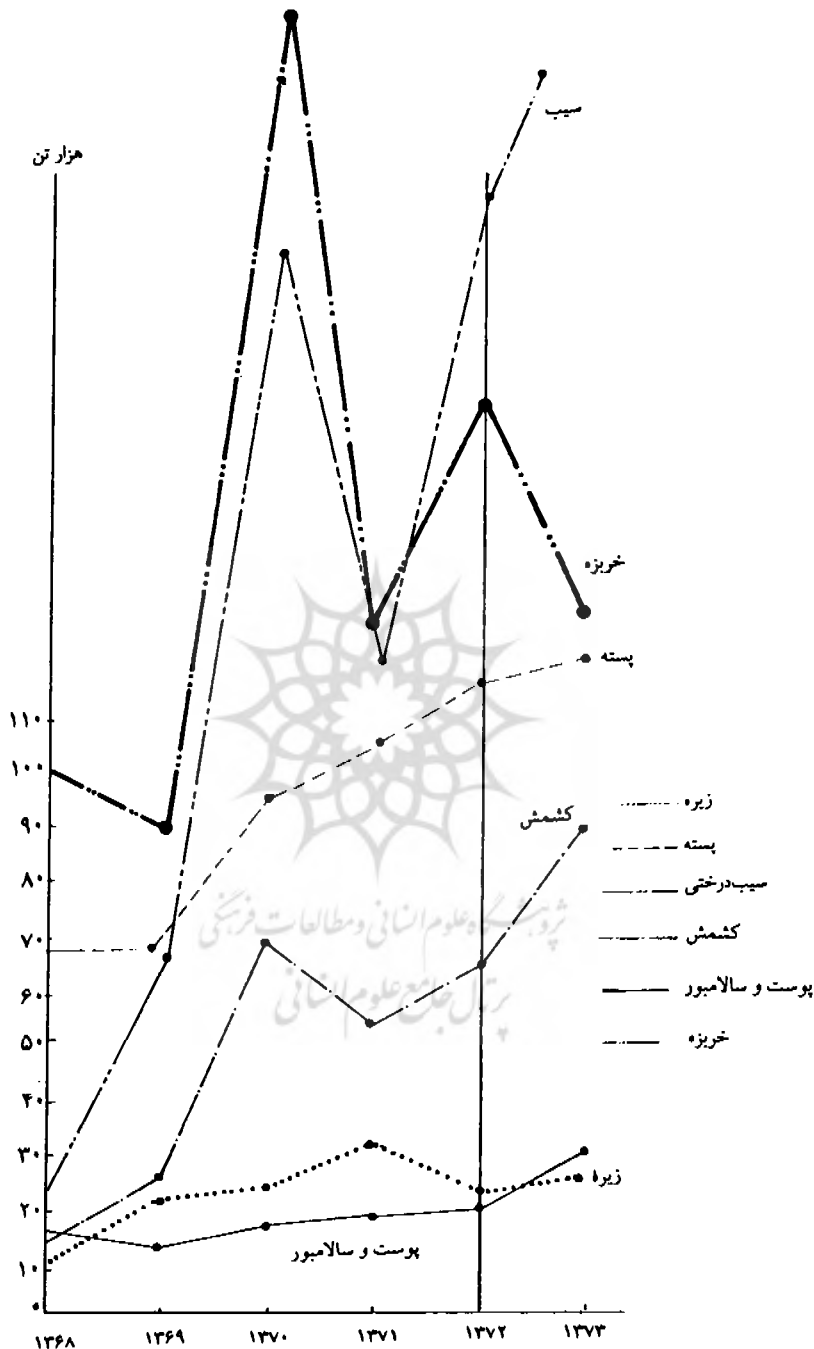
نام محصول	۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳	
	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
بست موز بسته	۶۸۸۶۹	۱۹۵۳۱	۹۸۴	۶۸۲۶۱	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷	۱۷۱۵۷
اربع پوست و سالامبور	۱۶۳۲۹	۶۶۷۷	۶۱۱	۱۳۲۲۰	۳۷۶۶	۱۷۴۴۳	۵۱۵۸	۱۹۸۰۷	۲۰۶۳۳	۲۰۶۳۳	۲۰۶۳۳	۲۰۶۳۳
کشمش	۱۳۲۹۷	۶۶۸	۵۰	۲۶۶۱۴	۶۶۵۸۵	۲۸۳۸	۵۳۷۹۷	۲۸۳۸	۲۸۳۸	۲۸۳۸	۲۸۳۸	
اربع روده	۹۹۰	۱۸۱۸	۱۸۲۶	۹۳۴	۸۲۳	۸۲۳	۱۰۸۸	۱۰۸۸	۱۳۲۶	۱۳۲۶	۱۳۲۶	۱۳۲۶
زایره سبز	۱۰۸۲۳	۹۵۵	۷۹	۱۷۱۵۳	۲۲۱۵۷	۱۲۱۷	۳۱۶۶	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	
زعفران	۴	۱۰۵	۱۱	۲۶۲۵۰	۳۵۹	۶۱۸	۶۶	۱۱۳۵	۶۶	۶۶	۶۶	
سیب و زرش	۲۳۵۹۱	۱۷۶	۷	۶۲۱۱۹	۲۷۵	۲۰۳۹۷	۱۵۳۴	۱۲۰۲۱۴	۱۵۳۴	۱۵۳۴	۱۵۳۴	
خریزه و طالبی	۱۰۳۷۱۸	۳۷۱۸	۱۳	۹۰۲۲۶	۸۱۲	۲۲۸۱۲۹	۱۱۱۵	۱۲۷۸۸۸	۱۱۱۵	۱۱۱۵	۱۱۱۵	
تخمهای زایانه، بادام،	۱۱۱۶۳	۲۵۴	۳۰	۱۴۰۶۱	۷۰۶	۸۰۶۷	۲۰۷	۷۷۹۵	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	
مرز، کشمش، سرنگومی	۳۵۵	۶۹۰	۱۳	۱۹۲۳	۲۷	۲۷۰	۷۵۵	۷۱۹	۲۲۸	۲۲۸	۲۲۸	
پشم و کرک و مو	۶۸۰۳	۵۰	۷	۷۲۹۸	۵۴	۱۷۴۲۴	۱۳۰	۹۹۱۷	۷۵	۱۵۴۲۴	۷۵	

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران - سامانه آمور و زنگنه خارجی جمهوری اسلامی ایران - سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۳ (به جز اختلافات محضات ۱۳۶۹ - ۱۳۷۳).  
 مرکز توسعه صادرات کشور در هفت ماهه اول سال ۱۳۷۳. تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، آذر ۱۳۷۳.

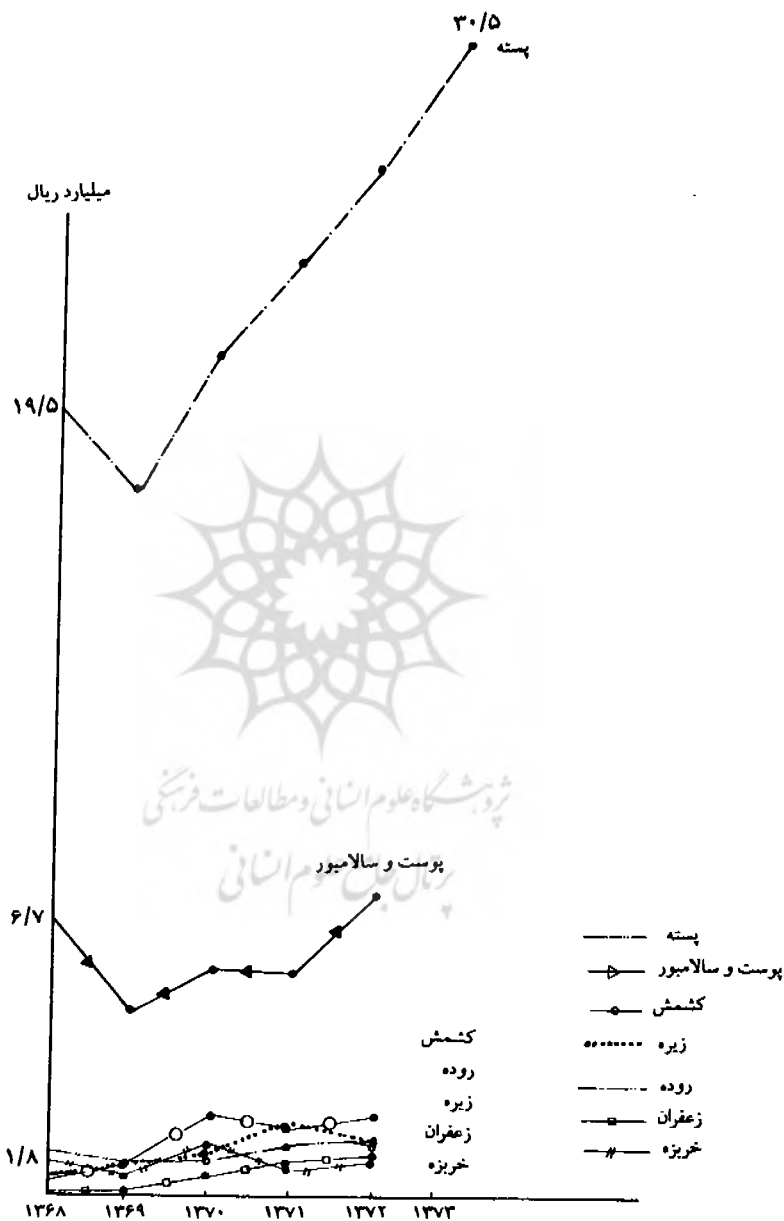
اینه دلیل آنکه حرم از صادرات عمده آنداز خراسان نبوده از حدوا حذف گردیده است.



نمودار ۲- میزان صادرات برخی از محصولات عمده کشاورزی طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ و پیش‌بینی آن براساس آمار هفت ماهه صادرات.



# نمودار ارزش صادرات محصولات عمده کشاورزی کشور طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳





محدودی صادر می‌شود که عمده‌ترین بازارها اغلب ایتالیا بوده است.

در سال ۱۳۷۲ این کالا عمدتاً به ترکیه، ایتالیا، پاکستان و با فاصله زیاد به اسپانیا، سوئد، اوکراین، ژاپن و یوگسلاوی سابق صادر شده است. البته باید اشاره کرد که صادرات اقلام چرمی کشور در سالهای گذشته هم از رشد بالا و هم از تنوع بازارهای صادراتی برخوردار بوده است (به طور مثال کیف‌دستی چرمی در سال ۱۳۷۲ به ۳۱ کشور صادر شده است).

روده هم در سال گذشته عمدتاً به آلمان، سوئیس، ترکیه و در مراحل پایین‌تر به اتریش و سوئد صادر شده است.

علی‌رغم همه تلاشهای موفقی که صادرکنندگان ما، در تنوع بخشی به بازارهای صادراتی داشته‌اند، چنان که در نمودار ۳ مشاهده می‌کنیم، ارزش صادراتی اقلام مورد اشاره بجز در مورد پسته و پوست و سالامبورنه از سطح و نه از رشد چندان بالایی در طول دوره مورد بررسی برخوردار نمی‌باشند. علت را تا حدودی باید در متوسط ارزش صادراتی دانست.

در نمودار ۴ متوسط ارزش صادراتی اقلام مورد اشاره، ارائه شده است.

البته به جهت اینکه بتوان در یک صفحه روند ارزش متوسط همه محصولات را نشان داد محور عمودی در سه قسمت شکسته شده است و در مورد اقلام با متوسط ارزش پایین برای وضوح بیشتر، شکل از دقت صددرصد در رعایت واحد برخوردار نیست.

چنان که مشاهده می‌شود بالاترین متوسط ارزش با تفاوت فاحش به زعفران و پس از آن به

کمترین تنوع بازارهای صادراتی مربوط به فراورده‌های دامی می‌باشد. چنان که کرک در ابتدای دوره به چهار کشور آلمان، بلژیک، شوروی سابق و ژاپن صادر می‌شد و در سال ۱۳۷۲ نیز، سوئیس، ایتالیا، افغانستان، بلژیک و چین بازارهای صادراتی این محصول گرافیمت کشور بوده‌اند: در طول دوره نیز اغلب بلژیک و ایتالیا از خریداران عمده بوده‌اند. در مورد پشم چربی نگرفته تقریباً صادرات به طور انحصاری به ترکیه صورت گرفته است. مو هم عمدتاً به سوریه، ترکیه و افغانستان صادر شده است. در اینجا باید اشاره کرد که کرک از قیمتی‌ترین الیاف در جهان است و ایران پس از چین بزرگترین تولیدکننده آن می‌باشد - کرک موهای نرم زیر موهای زبر نوعی بز از نژاد معروف به کشمیر است. به خاطر کمبود و گرانی این الیاف در کشورهایی تولید الیاف مشابه، نظیر موهر، کاشگورا و آنقوره در دستور کار قرار گرفته است، تا جایگزین آن شود. در ایران هم برنامه‌ای جهت به نژادی بزهای کرکی و توسعه تولید آن در مناطق شرق و غرب و جنوب کشور پس از چند سال تحقیق و برنامه‌ریزی تا سطح ابلاغ به اجرای طرح پیش رفت که بنا به دلایلی طرح متوقف گردید. اجرای چنین طرحهایی و استفاده و توسعه از چنین گنجینه‌هایی بخصوص اگر به صورت تولید و صادرات منسوجات کشمیری و نه کرک خام یا نهایتاً کرک تصفیه شده و موکشی شده باشد، به درآمدهای صادراتی کشور بسیار می‌افزاید و در وضعیت اقتصادی دامداران و عشایر تولیدکننده آن، بسیار تاثیر خواهد داشت.

پوست و سالامبور هم نسبتاً به بازارهای

جدول ۴ - متوسط ارزش صادراتی محصولات عمده کشاورزی کشور طی سالهای

۱۳۶۸ - ۱۳۷۳

واحد: ریال در هر کیلوگرم

نوع محصول	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳ (۱)
پسته و مغز پسته	۲۸۴	۲۵۰	۲۳۵	۲۵۱	۲۵۸	۶۱۳۷
انواع پوست و سالامبور	۴۱۱	۲۸۵	۲۹۵	۲۵۶	۳۶۴	۸۰۳۹
کشمش	۵۰	۴۶	۴۷	۴۸	۴۷	۱۰۹۲
روده	۱۸۳۶	۱۵۵۶	۱۷۵۰	۱۷۴۶	۱۶۶۱	۴۶۷۷۷
زیره سبز	۷۹	۷۵	۸۰	۸۰	۳۰	۱۹۵۱
زعفران	۲۶۲۵۰	۲۳۵۴۵	۲۴۷۲۰	۲۴۶۷۴	۲۵۱۹۷	۵۶۵۳۷۸
سیب درختی	۷	۷	۷	۷	۷	۱۷۳
خریزه و طالبی	۱۳	۹	۹	۹	۸	۳۰۴
تخمهای رازیانه، بادیان، مرزه، گشنیز و سرکوهی	۴۰	۵۰	۵۰	۵۸	۶۹	
پشم و کرک و مو	۱۹۴۳	۳۶۱۵	۲۷۵۹	۳۳۶	۲۸۴	۱۸۱۹۷
انار	۷	۷	۷	۷	۷	۱۶۷

مأخذ: مستخرج از جدول ۳

(۱) قابل ذکر است که در تعیین نرخهای صادراتی تا سال ۱۳۷۳ هر دلار ۷۰ ریال و در سال ۱۳۷۳ هر دلار برابر ۱۷۵۰ ریال محاسبه شده است.

به بانکها دارند تعیین نرخهای صادراتی در سطحی پایین نوعی حمایت از آنان می باشد. ولی صادرکنندگان اغلب از سایر پوششهای حمایتی گاه مهمتر برخوردار نیستند و خود باید متحمل کلیه خطرات و هزینه های ورود به ورطه گاه ناشناخته صادرات و فرهنگهای مختلف شوند.

در اینجا چند سوال مطرح می شود. نرخهای صادراتی قبلی که براساس آنها متوسط ارزش صادراتی محاسبه می گردید، واقعاً چه بوده اند، تنها شکلی کم درد سر از حمایت صادراتی؟ با اصلاح نرخ ارز و قیمت های صادراتی و همین طور بازتر شدن اقتصاد کشور که احتمال مسئله

کرک (۲)، روده، پوست و سالامبور و پسته تعلق داشته است. به غیر از پسته تقریباً تمامی محصولات باغی مورد اشاره از متوسط ارزش صادراتی پایینی برخوردارند. البته این ارزشهای صادراتی تا پایان سال ۱۳۷۲ براساس نرخ برابری هر دلار ۷۰ ریال تعیین می شد. ولی چنانکه در جدول ۴ دیده می شود بعضی از ارقام با توجه به قیمت های جهانی این محصولات به هیچ وجه قابل توجه نیست مگر آنکه آن را سوئیدی پنهان برای صادرکنندگان و تنها نوع حمایت از آنان بدانیم. اگر چه ظاهراً پیمانهای ارزی از میان رفته اند ولی عملاً با تعهداتی که صادرکنندگان اغلب جهت معرفی ارز صادراتی

هماهنگی یا موافقتنامه گات را می‌تواند مطرح سازد واقعاً چنین نرخهایی قابل دوام هستند؟ کافی است در اینجا اشاره کنیم که طبق محاسبات وزارت کشاورزی هزینه نهاده‌های کشاورزی برای یک کیلوگرم سیب (که این هزینه‌ها خود از سوبسید سوخت، سموم و کود برخوردار بوده است) ده ریال بوده است در حالی که همان طور که در جدول چهار دیده می‌شود برای سالها سیب نرخی برابر کیلویی ده سنت یا هفت ریال داشت.

چرا قیمتهای صادراتی پایین بوده‌اند و علی‌رغم تلاشهای صادرکنندگان در تنوع بخشی بازارهای صادراتی ثمرات چشمگیری به بار نیامده است؟

در چنین وضعیتی روی صادرات چه کالاهایی باید تکیه کرد و آنها را کجا و کی باید صادر کرد؟

در جواب به چنین سئوالاتی به طور مختصر می‌توان گفت در کوتاه مدت (بدون تلاشی اساسی در تغییر ترکیب صادراتی) برای افزایش ارزش صادراتی، بهتر است بر کالاهایی تکیه کرد که از متوسط ارزش بالاتری برخوردارند، که در این میان زعفران از همه اقلام دیگر بالاتر قرار دارد. اما در مورد همین قلم کالا نیز چنان که در سمینار زعفران و گیاهان دارویی در آبانماه ۱۳۷۳ گفته شد، سالانه حدود ۴۰ میلیون دلار به دلیل تفاوت قیمت خرید زعفران از ایران به نسبت قیمت زعفران اسپانیا و هند که قیمت پرداختی به ایران علی‌رغم مرغوبیتش کمتر از نصف قیمت زعفران این کشورها بوده است، از دست می‌دهیم. واقعاً چرا چنین است؟ در مورد زیره سبز هم وضع به همین منوال بوده

است. در مورد اقلام دیگر هم این مسئله کم و بیش صدق می‌کند.

در حالی که ایران بزرگترین تولیدکننده و احتمالاً صادرکننده واقعی زعفران و زیره می‌باشد، قدرت تعیین قیمت و حفظ آن را ندارد. مشکل را باید بیشتر در جبهه داخلی و عملکرد فردی و نه جمعی صادرکنندگان دید که با دنبال کردن منافع شخصی یا سازمانی خود به ضرر کل صادرکنندگان عمل کرده و از قدرت چانه‌زنی خود و اعمال سیاستی واحد می‌کاهند. چنان که سازمانها و موسسات بزرگی که قدرت پیش خرید محصول زعفران از کشاورزان را از یک طرف، و پیش فروش کردن آن را در بازارهای خارجی به قیمتهای تعیین شده خارج از وضعیت واقعی بازار دارند با فروش حجیم و ارزاتر خود به ضرر کلی قیمت صادراتی عمل می‌کنند، اگر چه خود زودتر به دلارهای صادراتی می‌رسند - وجود تشکلهای واقعی و خود جوش از صادرکنندگان که به نحوی از رقابتهای ناسالم صادرکنندگان بکاهد و سیاستی هماهنگ را در جبهه خارجی عمل کند، تا حدودی چاره ساز می‌باشد. این تشکلهای که لزوماً دولتی نیستند ولی مورد حمایت دولت قرار دارند می‌توانند توسط خود صادرکنندگان و به هزینه درصدی از ارزش صادراتی کالای مربوطه ایجاد شوند. البته در این مورد برای چنین تشکلهایی به تدوین چارچوبهای حقوقی احتیاج است. تجربه موفق کشورهای دیگر نشان می‌دهد که بسیاری از تشکیلات به طور مشترک توسط خود صادرکنندگان جهت بازاریابی، اطلاع‌رسانی، آموزش، بسته‌بندی، و غیره ایجاد می‌شوند که

جهت مسلح کردن صادرکنندگان به آخرین آمار و اطلاعات و پایین آوردن هزینه‌ها، و جلوگیری از ضرر و ورشکستگی بسیار موثر می‌باشد. ایجاد مراکز اطلاعاتی و اطلاع رسانی، البته کاری تخصصی است که حمایت دولت را نیاز دارد. در چنین مراکزی باید ارتباطی دو طرفه بین صادرکننده و مرکز گردآوری و توزیع اطلاعات وجود داشته باشد. اطلاعات ارزشمند صادراتی که اغلب به طور فردی نگهداری می‌شود باید در مرکزی تجمع یابد تا با از بین رفتن فرد از دست نرود. باید همه بیاوریم که با سرعت تغییرات و ارتباطات در جهان امروز هیچیک به تنهایی به همه اطلاعات روز نمی‌توانیم دست یابیم و باید دوران همکاریهای مشترک را شروع کنیم. دو سویه بودن جریان اطلاعات موجب می‌گردد که بسیاری از مسئولین از مشکلات واقعی صادرکنندگان نیز تصویر روشنتری داشته باشند که این امر می‌تواند خود را در تغییرات کمتر قوانین و مقررات نشان دهد.

نکته دیگری که در پایین بودن قیمت‌های صادراتی موثر می‌باشد این است که صادرکنندگان به دلیل عدم حضور مستقیم و آشنایی کامل با بازارهای مختلف، اغلب راحت‌تر می‌بینند که محصول خود را به طور عمده به یک کشور واسطه بفرستند، این واسطه می‌تواند کشوری مثل امارات متحده عربی باشد که در سال ۱۳۷۲، ۳۹ درصد زعفران، ۷۶ درصد زیره، ۶۹ درصد تخم گشنیز و بادیان و رازیانه، ۳۵ درصد سیب، ۵۸ درصد خربزه، ۵۱ درصد انار و ۱۷ درصد کشمش صادراتی کشور را دریافت داشته است و خود با قیمت‌های بالاتر مجدداً این محصولات را صادر کرده است. اگر

چه برخی از صادرکنندگان ایرانی در امارات متحده عربی دفتر دارند و خود می‌توانند در صادرات مجدد محصولشان دخالت داشته باشند ولی در هر صورت ارزش افزوده‌ای از کشور خارج شده است که بسیار بهتر می‌بود با ایجاد امکانات در خود کشور تحقق می‌یافت. تعیین قیمت‌های کف یا حداقل برای صادرات هم از جمله مسائلی است که برای افزایش درآمدهای صادراتی باید به آن توجه کرد.

علت دیگری که در پایین بودن قیمت‌های صادراتی می‌توان اشاره کرد، ارائه آنها به صورت خام و نه فرآوری شده و عدم تنوع کالاهای تولیدی یک محصول می‌باشد. به طور مثال زیره بخش اعظم پودر کاری را تشکیل می‌دهد که به راحتی در سطح وسیع در کشور می‌تواند تولید شود (با وارد کردن پودر برگ کاری از هند یا پاکستان) یا روغن زیره برای عطرسازها یا داروهای گوارشی مصرف دارد، که در سطح استان چنین تولیداتی به تازگی و بسیار محدود انجام می‌گیرد. یا مثلاً خراسان تولیدکننده عمده نعناع و بسیاری از گیاهان دارویی است، در حالی که در سال ۱۳۷۲، ۱۳۹ هزار دلار اسانس نعناع و کلاً یک میلیون دلار انواع اسانسها برای آدامس و شکلات‌سازی و سایر موارد و میلیونها دلار مواد موثره دارویی وارد کشور شده است. ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در تولید فرآورده‌های نوین، می‌توانند در این مورد چاره‌ساز باشند.

علاوه بر آن، استان از محصولاتی برخوردار است که هنوز در بازارهای صادراتی چندان شناخته شده نیستند ولی با کمی کار در ارائه و معرفی کالا و خواص مصرفی آن به

مصرف‌کنندگان خارجی که می‌تواند به صورت عام و توسط یک مرکز متخصص تبلیغ شود، امکانات صادراتی بسیاری به وجود خواهد آمد. به طور مثال توت خشک، زرشک، عناب، انار و ... از این جمله‌اند. در جهانی که روز به روز به سالم خوری و طبیعی خوری گرایش بیشتری پیدا می‌کند، تبلیغ عناب به عنوان یک میوه ملین که فشار و چربی خون را پایین می‌آورد و یا توت خشک که به خاطر نوع قندش برای بیماران دیابتی ضرر کمتری دارد، و یا زرشک که ضمن تصفیه خون به ظاهر غذا جلوهٔ زیبایی می‌دهد و فرآورده‌های مختلفی از آن می‌توان تهیه کرد، حتماً جایگاهی خواهد داشت. البته باید توجه داشت که ورود، حضور و دوام در هر بازاری احتیاج به زمان و هزینه‌های اولیه‌ای دارد که باید تا رسیدن به مقصود تحمل شود.

با توجه به افزایش محصولات باغی در کشورهای جهان و کاهش قیمت‌های آن در دههٔ اخیر، لزوم توجه به تغییر برنامه‌های تولید و یا ایجاد صنایع تبدیلی از مواردی است که باید به آن توجه دقیق شود. لازمه چنین دقتی نیز - آگاهی از وضعیت کشورهای تولیدکننده و صادرکنندهٔ رقیب می‌باشد که باز بر وجود مراکز تحقیقی اطلاعاتی تأکید می‌گذارد. عدم آگاهی از اطلاعات

بازار یا دریافت اطلاعات غلط نیز در تحمیل قیمت‌های پایین به صادرکننده یا حتی فشار در جهت خروج وی از بازار می‌تواند موثر باشد.

در انتها با توجه به تأکیدی که بر توسعه صادرات به عنوان کلید توسعه کشور شده است، اکنون راه‌های جدیدی در تجارت را هم می‌توان آزمود نظیر عملکرد به عنوان صادرکنندهٔ مجدد برای محصولات کشورهای همجوار که خود در زمینه فعالیت‌های بازاریابی و اقتصادی مشکل دارند، یا درگیریهایی داخلی به آنها اجازه چنین اقداماتی را نمی‌دهد. افغانستان و همسایگان شمالی از آن جمله‌اند. این فعالیتها نباید مانع توجه به صادرات خود کشور شود ولی امکانی است که دیگران در حال استفاده از آنند و ما به عنوان یک همسایه نزدیکتر مزیت بیشتری می‌توانیم داشته باشیم.

آنچه در مورد افزایش درآمدهای صادراتی استان گفته شد با توجه به وضع موجود و عدم تغییرات اساسی و پرهزینه در آن بوده است. در حالی که با توجه به خلق کالاهای جدید با مزیت و اعتماد به تشکلهای فعال و مختلف صنعتی، اقتصادی، بازرگانی و ... و مشارکت واقعی و بیشتر جامعه به اهداف بسیار بالاتری می‌توان دست یافت.

والسلام

(۱) - ظاهراً مقادیر صادراتی بیش از گواهی‌نامه‌های صادره بوده است، یا اطلاعات ارائه شده از صحت کامل برخوردار نیست.

(۲) - با توجه به اینکه متوسط قیمت پشم و کرک و مو به دلیل یکسان نبودن ترکیب صادرات آن در دورهٔ مورد بررسی رقمی غیرواقعی بدست می‌داد، متوسط قیمت کرک جداگانه محاسبه و در نمودار اعمال شده است.